تأملی بر نظرات آقای دکتر ابراهیم یزدی در مورد مهمترین وظیفه " یک نوگرا " و " دموکراسی دینی "

*****

... امااایشان (سید محمد خاتمی) بدون ارائه کوچکترین استدلالی ، شاید بخاطر حفظ نظام ولایت فقیه ، بغلط مدعی شدند که " لائیسیته " در ایران برعکس اروپا ، نظریه ضد دینی می باشد. اما کوچکترین استدلالی در اینمورد ارائه ندادند . در واقع آقای سید محمد خاتمی که اهل کتاب می باشد ، دست به تحریف واقعیات زده است و آگاهانه معانی را وارونه کرده است.

چرا ؟ شاید بدین خاطرباشد که اگرایشان (رئیس جمهور خاتمی) قبول کنند که "لائیسیته " یک واژه جهانشمول می باشد و در ایران نیز همان معنانی را دارد که در کشور های اروپائی داراست ، آنوقت این سئوال حتی از سوی" کودن ترین " افراد هم می تواند مطرح شود ، جامعه ای که اکثریت مردمش لائیک هستند ـ یعنی مخالف حکومت دینی هستند و نه ضد دین ـ ، وجود نهاد" ولایت فقیه " و مقام حکومتی بنام " مقام رهبری " دیگر چه معنائی دارد ؟

*****

آقای دکتر ابراهیم یزدی دبیر کل " نهضت آزادی ایران "، در نهمین سالگرد درگذشت مرحوم مهندس مهدی بازرگان که اتفاقاً مصادف با تحصن بخشی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بخاطر اعتراض به پایمال شدن حقوق ایرانیان در معرفی نامزدهای نمایندگی مجلس از سوی " هیئت های نظارت شورای نگهبان " بود ، بیاناتی در رابطه با " وظیفه یک نوگرا " و مقوله نا مفهوم " دمکراسی دینی " مطرح کرده اند .
قبل از اینکه خواسته باشم در رابطه با محتوی گفتارایشان در آن نشست ، اظهار نظر کنم ، برای آگاهی خوانندگان این نوشته ، بخشی از نظرات آقای دکتر یزدی را از سایت اینترنتی " ملی ـ مذهبی " ها نقل می کنم ، تا روشن باشد که بحث محوری این نوشته در رابطه با کدام یک از مسائل سیاسی و نظرات و عقاید مطرح شده از سوی ایشان ، دور می زند.

جناب دکتر یزدی در جلسه بزرگداشت مرحوم مهندس بازرگان که در مقبره بیات در قم برگزار شد، بیان کرده اند :

" ... مهمترين وظيفه يك نوگرا بومي كردن مدرنيته و آشتي دادن آن با سنتهاي جامعه است تفاوت مهندس بازرگان و گروهي از احياگران ديني را كه روشنفكر ديني خوانده مي‌شوند با عامه نوگرايان در اين دانست كه آنها فراتر از نظريه پردازي براي مسائل مبتلابه جامعه به فكر راهكارهاي اجرايي و عملياتي نمودن رويكردهاي نوگرايانه نيز هستند يزدي يادآور شد كه بازرگان با نگاه واقعگرايانه به جامعه ايران استبداد را مشكل اصلي جامعه مي‌دانست و با بررسي آثار مبتني بر جهان بيني توحيدي منجمله آثار مهندس بازرگان به اين نتيجه مي‌رسيم كه خداوند انسان را آزاد آفريده و او را مختار قرار داده‌است و لذا هر عالمي و يا گروهي و طبقه‌اي بخواهد به نام دين استبداد را در هر شكلي حاكم كند و آزادي را ولو به بهانه دفاع از دين محدود كند برداشتي باطل از دين داشته‌است.

يزدي همچنين با بررسي نظريه مالكيت مشاع حكومت توسط شهروندان كه از جانب آيتا.. دكتر مهدي حائري فرزند آيتا.. [شيخ عبدالكريم حائری] مؤسس حوزه علميه [قم] ارائه شده‌است افزود طبيعي است كه در قراردادي چنين حكيمانه هيچ كسي نمي‌تواند به دليل وابستگي به طبقه‌اي خاص مالكيت بشتري نسبت به ديگر آحاد داشته باشد. وي با انتقاد از تقسيم دموكراسي به ديني و غير ديني اين نوع تقسيم بندي را مغالطه‌آميز خواند و مدعي شد در عمل به قرارداد اجتماعي كه با تاييد اكثريت جامعه برسد همان دموكراسي ديني است."

با توجه به مطالبی که از گفتار ایشان اشاره رفت ، آقای دکتر یزدی به نقل از مرحوم مهندس بازرگان در آن نشست مطرح کرده اند که " بازرگان با نگاه واقعگرایانه به جامعه ایران استبداد را مشکل اصلي جامعه مي‌دانست" ، امری که مورد تائید ما سوسیالیست های مصدقی نیزمی باشد و گمان ندارم کوچکترین ایرادی به این بخش از گفتار ایشان بتواند وارد باشد ، اگرچه برای نگارنده همچون بسیاری دیگر از آزادیخواهان هنوز روشن نیست که چرا شخصیت سیاسی که " استبداد را مشکل اصلي جامعه مي‌دانست " و از مقطع تاریخی بعد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ جزو پیشگامان مبارزه برای تحقق " حاکمیت قانون " و مخالفت با استبداد و دیکتاتوری در ایران بود و افتخار داشت تا خود را در دادگاه نظامی دوران محمد رضاشاهی ، فردی " مصدقی " و طرفدار " راه مصدق " بنامد ، کمک به برقراری رژیم ولایت فقیه ، رژیمی که اصولا کوچکترین رابطه ای با دمکراسی و آزادی ندارد ، بنماید ؟

اتفاقا برگزاری نهمین سالگرد وفات شادروان مهندس بازرگان متصادف بود با تحصنی که بخشی از نمایندگان ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در اعتراض به پایمال شدن حقوق ملت ایران در معرفی نامزد های مورد اعتماد خود برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی در مجلس شورای اسلامی بپا کرده بودند ، که حتی تعدادی از آن افراد متحصن اصولا با

"نظارت استصوابی " دست به مخالفت زدند و برخی از آنان نیز صحبت از پشتیبانی از خواست " نظام دمکراسی "، آنهم بدون هیچ گونه پسوند و یا قید نمودند ، امری که حتماً ضرورت دارد تا مورد توجه و تعمق قرار داد.

آقای دکتر ابراهیم یزدی در سخنرانی خود در آن جلسه مطرح کرده اند که " مهمترین وظیفه يك نوگرا بومي كردن مدرنيته و آشتي دادن آن با سنتهاي جامعه است " . این قسمت از گفتار ایشان که در حقیقت محور اصلی بیاناتشان در آن جلسه می باشد ، از دو بخش تشکیل شد ه است. یک بخش آن ، " بومی کردن مدرنیته " است ، امری که مورد تائید ما سوسالیست های مصدقی نیز می باشد و در همین رابطه است که ما کوشش داریم تا در اثر تبلیغ و ترویج تمام جوانب " مدرنیته " ، از جمله " ارزش " های تشکیل دهنده " نظام حکومتی " مدرن ، در کنار دیگر نیروهای طرفدار نظام دمکراسی ، آنرا به بخشی از فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه ایران تبدیل کنیم و در حقیقت این فرهنگ که دست آورد مبارزات و فعالیت های سیاسی و نظری مردم اروپا می باشد را ، " بومی " کنیم و از آن طریق کمک کنیم تا تمام " ضد ارزش " ها ی جامعه " استبدادی " و " دیکتاتوری " که سد تحقق " نظام دمکراسی " در ایران هستند ، بمرور از نفوذ و تأثیر آنها بر فرهنگ سیاسی حاکم بر ایران کاسته شود و در نهایت طرد گردند . ولی بخش دوم جمله که عبارت است از " آشتی دادن آن (مدرنیته) با سنتهای جامعه " ، باید توجه داشت که اگر منظور از " سنت ها " مسائل مربوط به نهاد های حکومتی و چگونگی حد و مرز حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان نباشند ، هیچ اشکالی در آن نمی تواند وجود داشته با شد تا مابین آنها و مدرنتیه آشتی برقرار شود. زیرا برقراری این " آشتی " روند طبیعی است که در بسیاری از کشورهای جهان در حین روند تکامل آنها رخ داده است، ولی اگرمنظوراز آشتی مدرنیته با سنت ، شامل نهادهای دولتی که بر پایه روابط سنتی استبدادی و دیکتاتوری اداره می شوند ، باشد ، بهیچوجه نباید آنرا مورد تائید قرار داد. اتفاقاً بخش بزرگی از نهاد های جمهوری اسلامی ، از جمله شورای نگهبان ، مجمع تشخیص مصلحت نظام ، چگونگی ترکیب و انتخاب نهاد قوه قضائیه و دستگاه صدای و سیمای ایران و بسیاری از نهاد های امنیتی و اقتصادی... نهادهای انتصابی می باشند که هیچگونه رابطه ای با " مدرنتیه " ندارند .اگرچه نهاد " ولایت فقیه " اصولا هیچگونه رابطه ای با مدرنتیه ندارد و یک نوع شیوه حکومتی شبیه نظام سلطنتی می باشد که آنهم بیشتر با سلطنت دوران قرون وسطی همسوئی دارد و نه سلطنت کنونی در بعضی از کشورهای اروپائی ،که مقام پادشاه در آن کشورها کوچکترین دخالتی در چگونگی روند امور حکومت ندارد . اصولا با توجه به وجود " نظارت استصوابی " شورای نگهبان ـ یعنی ۱۲ نفر مباشر آقای سید علی خامنه ای ـ ، در انتخابات مجلس خبرگان رهبری ، آن مجلس نیز به یک مجلس فرمایشی تبدیل شده است که از وجود آن بعنوان " ماسکی " برای پوشیدن چهره غیر مردمی نهاد " ولایت فقیه " استفاده می شود.

نظام حکومتی مدرن که دارای " ارزش " های مربوط به خود می باشد ، ازجمله دفاع از " اصل فردیت " ، مخالفت با نظام های استبدادی و دیکتاتوری و هر نوع قیمومیت تحت هر عنوانی که باشد و محترم شمردن حرمت انسانی و قبول حق تعیین سرنوشت مردم توسط خود مردم و تاکید بر امر جدائی نهاد دولت از نهاد دین و دراین رابطه بی طرفی نهاد دولت نسبت به تمام ادیان و ایدئولوژیها... باید بجای ضد ارزشهای نظام های استبدادی و دیکتاتوری قرار گیرند و نه اینکه در صدد بر آمد تا "ارزش " ها را با " ضد ارزش " ها" آشتی" داد. چنین خواستی از سوی هرکس که مطرح شود ، سر انجام با شکست روبرو خواهد شد.

اما روشن نیست که چرا دکتر یزدی یکمرتبه در نشست بزرگداشت در قم ، بجای درس گیری از اشتباهات ۲۵ سال حکومت دینی در ایران و فاصله گرفتن از نظراتی که نقش بزرگی در ایجاد نابسامانی های کنونی حاکم برایران را دارند، به تبلیغ نظریه ی غلط وغیرعلمی" دمکراسی دینی " می پردازد، نظریه ای که اصولا کوچکترین رابطه ای با نظام های حکومتی عصر مدرن ندارد و در حقیقت نام بی مسمی ایست که متأسفانه برای بزک چهره رژیم قرون وسطائی دینی از سوی رئیس جمهور خاتمی و برخی از عناصر دوم خردادی ، معروف به طیف " اصلاح طلب " مطرح شده است . آنهم در زمانی که از سوی برخی از فعالین و صاحب نظران طیف دوم خردادی، براصل " نظام دمکراسی " بدون هیچگونه پسوند و قید تاکید می شود!

آقای دکتر یزدی در گفتار خود توضیح نداده اند که آیا " دمکراسی دینی " مورد نظرایشان ، نتیجه آن نظریه ای است که ایشان در رابطه با " آشتی دادن " " مدرنیته " با " سنتهای جامعه " به آن رسیده اند و با تاکید بر آن ، خواسته اند به کمک سید محمد خاتمی بشتابند و در این رابطه است که نخواسته اند از عملکرد ها و سیاست های ۲۵ سال حکومت دینی که در اثر کج اندیشی رهبران و فعالین جناح های هیئت حاکمه ، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ با هزار دوز و کلک ، حقه و نیرنگ و توسل به قهر وسرکوب ، حتی بمیان کشیدن مسئله شرع اسلام و وظیفه دینی مردم که تا کنون بر ملت ایران تحمیل شده است ، در آن نشست فاصله بگیرند.

آقای سید محمد خاتمی ، یکی از مبلغین پر وپا قرص مقوله " دمکراسی دینی " است . البته بدون اینکه ایشان توضیح دهند ، تحت آن عنوان، تحقق کدام یک از " ارزش " ها و طرد کدام یک از " ضد ارزش " ها را مدّ نظر دارند . جناب رئیس جمهور نظریه " دمکراسی دینی " را، پس از اینکه " جامعه مدنی " مورد نظرشان با شکست روبرو شد ، آنهم بدین خاطر که چون ایشان در مقابل فشار جناح تمامیت خواه رژیم ، بخصوص عده ای از روحانیون مرتجع و عقب گرای شیعه دولتی مجبور شد، " جامعه مدنی " مورد نظر خود را ، جامعه ای همچون " مدینته ا لنبی " - در ۱۴۰۰ سال قبل - ، معرفی کند و روند تکامل جوامع شبانی و بربریت به جوامع مدنی ، جوامعی که در اثر مبارزه و فعالیت انسان های جوامع غرب بوجود آمدند و سبب شدند تا " انسان " ها در تکامل جوامع بشری نقش بزرگی بعهده داشته باشند ، بکلی به فراموشی سپرده شود و از آن طریق به شکست تحقق آن خواست (تحقق جامعه مدنی) در ایران در آن مقطع تاریخی کمک گردد . و یا اینکه مقام رئیس جمهور که شدیداً حفظ " نظام ولایت فقیه" برایشان مهم است ، باین مسئله پی برده بودند که تاکید بر جامعه مدنی و جلوگیری از غیر قانونی کردن نشریات بطور فله ای ، کمک به بالارفتن افکار عمومی و در نتیجه برملاشدن ماهیت ارتجاعی سردمداران نظام خواهد نمود. چنان سیاستی در تحلیل نهائی نمی توانست در خدمت حفظ " نظام ولایت فقیه " باشد . ایشان شعار " دمکراسی دینی " را بجای شعار " جامعه مدنی " ، بعنوان شعار تبلیغاتی خود انتخاب نمود، بدون اینکه حاضر باشد توضیح دهد که تفاوت چنین نظامی (نظام دمکراسی دینی) ، با " نظام دمکراسی" بدون هیچگونه پسوند و یا قیدی در رابطه با کدام یک از " ارزش " ها و " ضد ارزش " ها می باشد . اتفاقاً برعکس " جامعه مدنی " در مورد پیش نهاد جدید ، یعنی " دمکراسی دینی " در هیچ کتاب لغتی نمی توان مطلبی در باره آن پیدا کرد که بتوان با مراجعه به آن ، آقای سید محمد خاتمی " ماله کش " را تحت فشار قرار داد و یا خدای نکرده " نظام " مورد علاقه ایشان را بخطر انداخت .

زمانیکه نیروهای طرفدار نظام دمکراسی و در حقیقت " نیروهای لائیک " ، با روشنگری در رابطه با " لائیسیته " و توضیح این امر که " لائیسیته " بهیچوجه بمعنی ضدّیت و دشمنی با دین نیست ، بلکه نیروهای لائیک مخالف دخالت روحانیت بعنوان نمایندگان خدا در امور سیاسی و برخوردار شدن آن حضرات از " حقوق ویژه " در امور مملکتی و تصاحب قدرت و ثروت هستند و در واقع طرفدار حکومت غیر دینی (غیر مذهبی) می باشند و نه ضد دین (ضد مذهب) و از آزادی کامل ادیان و مذاهب و برگزاری آزاد مراسم مذهبی دفاع می کنند ، آقای سید محمد خاتمی را مجبور کردند که قبول کند که نظرات " لائیسیته " در اروپا ، نظریه ی ضد دینی نیست . امااینشان (سید محمد خاتمی) بدون ارائه کوچکترین استدلالی ، شاید بخاطر حفظ نظام ولایت فقیه ، بغلط مدعی شدند که " لائیسیته " در ایران برعکس اروپا ، نظریه ضد دینی می باشد. اما کوچکترین استدلالی در اینمورد ارائه ندادند . در واقع آقای سید محمد خاتمی که اهل کتاب می باشد ، دست به تحریف واقعیات زده است و آگاهانه معانی را وارونه کرده است.

چرا ؟ شاید بدین خاطرباشد که اگرایشان (رئیس جمهور خاتمی) قبول کنند که "لائیسیته " یک واژه جهانشمول می باشد و در ایران نیز همان معنائی را دارد که در کشور های اروپائی داراست، آنوقت این سئوال حتی از سوی " کودن ترین " افراد هم می تواند مطرح شود ، جامعه ای که اکثریت مردمش لائیک هستند ـ یعنی مخالف حکومت دینی هستند و نه ضد دین ـ ، وجود نهاد " ولایت فقیه " و مقام حکومتی بنام " مقام رهبری " دیگر چه معنائی دارد ؟

آقای دکتر ابراهیم یزدی فردی که آشنائی کامل با مسائل و نظرات سیاسی دارد ، بجای اینکه برای آقای سید محمد خاتمی و همفکران ایشان توضیح دهند که اگرآن جناب قبول کرده اند که " لائیسیته " که یک مقوله جهانشمول می باشد و در کشورهای اروپائی بمعنی نظریه ی ضد دینی تلقی نمی شود ، در آسیا از جمله ایران نیز آن واژه سیاسی نمی تواند معنائی بجز معنائی که در جوامع اروپا ئی دارد ، با خود بهمراه داشته باشد ،این یک بام و دوهوائی که آقای سید محمد خاتمی برای قضاوت در باره آن واژه جهانشمول قائل شده است ، جز دامن زدن به سردرگمی در بین مردم و بی آبروئی برای مقام رئیس جمهور ، نتیجه ای دیگر نمی تواند با خود بهمراه داشته باشد و ایشان را از ادامه آن سیاست غلط و غیر دمکراتیک برحذر دارند، متأسفانه با نظرات غلط آقای رئیس جمهور بنحوی همسوئی نمودند. در متن سخنرانی ایشان به نقل قول از سایت انترنتی ملی ـ مذهبی ها ، می خوانیم :

" يزدي همچنين با بررسي نظريه مالكيت مشاع حكومت توسط شهروندان كه از جانب آيتا.. دكتر مهدي حائري فرزند آيتا.. [شيخ عبدالكريم حائری] مؤسس حوزه علميه [قم] ارائه شده‌است افزود طبيعي است كه در قراردادي چنين حكيمانه هيچ كسي نمي‌تواند به دليل وابستگي به طبقه‌اي خاص مالكيت بشتري نسبت به ديگر آحاد داشته باشد. وي با انتقاد از تقسيم دموكراسي به ديني و غير ديني اين نوع تقسيم بندي را مغالطه‌آميز خواند و مدعي شد در عمل به قرارداد اجتماعي كه با تاييد اكثريت جامعه برسد همان دموكراسي ديني است."

حتماً آقای دکتر یزدی با این ادعای غلط سلطنت طلبان آشنائی دارند که آن حضرات ، بخصوص " پهلویست " های جناح آقای داریوش همایون سعی فراوان دارند که رضا شاه پهلوی را ناجی " ایران مدرن " معرفی کنند . ادعائی که مورد تائید ما سوسیالیست های

مصدقی نمی تواند باشد. آنهم ، نه بدین خاطر که ما منکر یکسری تغییرات اداری ، از جمله تأسیس ارتش مدرن ، دادگستری ، دارائی ، مدارس ، دبیرستانها ، دانشگاه ، بیمارستان ها ، جاده های شوسته ، راه آهن ، اسکله و فرودگاه ، ساختن کارخانه ها و... در دوران رضا شاه باشیم ، بلکه مخالفت ما با ادعای پهلویست های بدین خاطر است که رضا شاه با تمام قدرت سعی کرد تا اجازه ندهد تا تغییراتی که " مدرنیته " با خود در بافت سیاسی نهاد دولت سنتی ، بهمراه خواهد داشت و در اثر آن استروکتور و بافت جامعه سنتی ـ که چیزی جز استروکتور و بافت استبدادی و دیکتاتوری موجود در جامعه نیست ـ ، بکلی تغییر پیدا کند و شیرازه استبداد از هم بپاشد و در نتیجه سبب شود تا مردم در تعیین سرنوشت خود شرکت کنند و از آزادی بیان ، قلم ، تجمعات ... بتوانند برخوردار گردند.
در رابطه با مسائلی که در باره دوران سلطنت رضا شاه و " مدرنیته " مطرح شد ، مرا بر این نظر وا می دارد تا این سئوال را مطرح کنم که آیا چگونگی اعمال سیاست در دوران رضاشاه بنحوی نبود که در آنزمان سعی شد تا " مدرنیته " را با " سنت استبدادی " ، " آشتی دهند " ، امری غیر ممکن که در نهایت با شکست روبرو شد ؟

بنظر ما سوسیالیست های مصدقی ، " نظام دمکراسی" ، نظامی است که باید نسبت به دین و ایدئولوژی ، همانطور که در بالا اشاره رفت ، موضعی " بی طرف " داشته باشد. مقولات " دمکراسی دینی " و یا " مردم سالاری دینی " بیانگر این واقعیت تلخ می باشند که طرفداران این مقولات حاضر به پذیرفتن ارزش هائی همچون " اصل فردیت " ، تعیین حق سرنوشت مردم توسط خود مردم ، حقوق برابر و مساوی مردم ، صرفنظر از وابستگی مذهبی ، نژاد ، قومیت ، جنسیت ، شغل و مقام و ثروت در مقابل قانون ، نیستند . این نیروها کوشش دارند تا از طریق پسوند " اسلامی " برای یک سری از " روحانیون دولتی مذهب شیعه " و یا سازمان های سیاسی ـ مذهبی مورد نظرخود ، حقوق ویژه دست و پا کنند و توجه ندارند که از این طریق" ارزش" های نظام دمکراسی را مغشوش و مخدوش می کنند و نا خواسته به روند دمکراتیزه کردن جامعه و بهزیستی مردم ، ضربه می زنند.

دکتر منصور بیات زاده
۱۱ بهمن ۱۳۸۲ برابربا ۳۱ ژانویه ۲۰۰۴

Socialistha @ ois-iran.com
www.ois-iran.com